

# نخبگان سیاسی و ظرفیت های موجود در پیمان امنیتی افغانستان و آمریکا

سرمقاله

## برداشت وارونه از دین

حفیظ الله زکی

اسلام دین سلامت و امنیت است. خداوند و پیامبرانش همواره مردم را به صلح و برادری دعوت کرده و از جنگ، خشونت، ضرر و ضرار برحذر داشته است. دین اسلام در سرزمینی ظهور کرد که مردمش بر اساس تعلقات قبیله ای همواره در جنگ و جدل بودند و در میان هر قبیله اشرفیائی بودند که بر جان و مال مردم سلطه مطلق داشتند. مردم بت می پرستیدند، دختران شان را زنده به گور می کردند، در بدترین شرایط ممکن زندگی می کردند. قبیله بدوی و وحشی که نان و سرمايه شان را از طریق جنگ با قبیله دیگر، به دست می آوردند، از ترقی و مدنیت بی بهره بودند و در تمام عمر در میان سنت های قبیله ای و خرافاتی غلط می زدند و به آن افتخار می کردند.

اسلام وضعیت زندگی جزیره العرب را از بنیاد تغییر داد. میان قبیله مختلف صلح و آشتی برقرار کرد. اختراعات موهوم و خیالی قبیله را از بین برد. همه مردم را مساوی و برابر اعلام کرد. عرب، عجم، سیاه پوست و سفید پوست را که پیش از اسلام در تضاد کامل قرار داشت، زیر یک سقف جمع کرد و هرگونه احساس برتری و امتیاز را از ذهنیت ها زدود. در حالی که مردم قرن ها در آن جزایر زندگی کرده بودند؛ ولی کمترین تغییرات مثبت در روش زندگی شان به وجود نیامده بود؛ اما پیامبر گرامی اسلام در مدت ده سالگی که به عنوان مهاجر در مدینه منوره به ترویج و گسترش دین اسلام پرداخت، توانست تغییرات اساسی را در زندگی و پیشرفت بود. مسلمانان وقتی ذلیل، خوار و عقب افتاده بدوی زمان زیادی به شمار نمی آید.

راه ترقی و پیشرفت مردمان این سرزمین از همین زمان هموار شد. اسلام توانست یکی از بزرگترین تمدن های جهان را در همین سرزمین تهداب گذاری کند. تا زمانی که مسلمانان به ارزش ها و آموزه های اسلامی احترام می گذاشتند و درک حقیقی از اسلام داشتند و به آن عمل می کردند، جهان اسلام نیز در حال ترقی و پیشرفت بود. مسلمانان وقتی ذلیل، خوار و عقب افتاده شدند که آموزه های اسلامی یا به فراموشی سپرده شد و یا با سنت ها و هنجارهای قبیله ای مخلوط گردید و یا برداشت های به شدت متحجرانه، محدودنگر و تک بعدی بجای ارزش های حقیقی اسلام تبارز کرد و به مردم معرفی گردید.

اسلام تبارز کرد و به مردم معرفی گردید. برای کسب مشروعیت سیطره شان به حمایت علمای اسلامی نیاز داشتند. از این رو یک تعداد علماء را از طریق تهدید و تطمیع در دربار جمع می کردند و مطابق میل، خواست و نیاز خود از آنها فتوا می گرفتند. اساس تفرقه و نفاق میان مسلمانان از همین جا شروع شد. بنابراین اختلافات مذهبی موجود در جهان اسلام پیش از آن که به اسلام و آموزه های آن ارتباط داشته باشد، معلول سیاست بازی های سلاطین و امرای است که برای توجیه سلطه نامشروع شان به اختلافات داخلی مسلمانان دامن می زدند. اختلافات فقهی میان مذاهب در حدی نیست که خشونت، کشتار، تجاوز و غارت را تجویز کند.

امروزه نیز خشونت ها و جنگ ها در جوامع اسلامی ریشه های سیاسی دارد که به منافع کشورهای اسلامی و غیر اسلامی ارتباط می گیرد. اکثر جنگ ها پروژه ای است و اغلب گروه های اسلامی برای پیشبرد یک پروژه سیاسی در خدمت قرار می گیرند. خشونت که امروزه به نام طالب، داعش، القاعده و بوکوحرام و دهها نام و عنوان دیگر در جهان اسلام اعمال می شود، کمترین ارتباطی با احکام اسلامی ندارد. مگر ملامعمر، ملا منصور، بن لادن و ابوبکر البغدادی و... در کدام سطح علمی قرار دارند که به خود اجازه فتوا داده و وقیحانه خودشان را خلیفه یا امیرالمؤمنین اعلام می کنند؟ چرا هزاران عالم واقعی اسلامی امروزه صدای شان شنیده می شود؟ آیا صلاحیت اینها بالاتر از علمای الازهر است؟ چرا چهره اسلام را زندگی ملیون ها مسلمان صلح طلب، اندیشمند و مداراگرا به جهان معرفی نمی کند که با اعمال وحشیانه و غیر انسانی یک تعداد اندک در جهان شناسانده می شود؟

در سال های پایانی حکومت حامد کرزی روابط میان افغانستان و ایالات متحده آمریکا پر تنش شد. تنش میان کابل و واشنگتن باعث شد که حکومت افغانستان از امضای پیمان امنیتی سر باز زند. با شکل گیری حکومت جدید اما، مسئله پیمان امنیتی میان افغانستان و آمریکا حل شد. رئیس جمهور غنی، در روزهای نخست حکومتش پیمان امنیتی با ایالات متحده آمریکا را امضا نمود. بعد از امضای پیمان امنیتی اوضاع امنیتی کشور وخیم شد. دامنه نامنی اکثر ولایت و صلاحیت پیمان امنیتی را در بر گرفت. این مسئله موجب افزایش انتقاد ها بر حکومت وحدت ملی شد که چرا از ظرفیت های موجود در پیمان امنیتی میان افغانستان و آمریکا برای بهبود وضعیت امنیتی استفاده نمی کند. انتقا ها حکومت را واداشت تا اقدامات را برای اجرای شدن مواد پیمان امنیتی روی دست بگیرد. به همین منظور کمیسیون مشترک تشکیل شد. تا هنوز سه بار است که کمیسیون مشترک افغانستان و آمریکا با هم نشست نموده است و بر سر پیمان امنیتی گفتگو نموده است.

سومین دور نشست مشترک میان افغانستان و آمریکا به منظور اجرایی نمودن موافقتنامه امنیتی روز شنبه با اشتراک جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا و صلاح الدین ربانی، وزیر امور خارجه افغانستان در کابل برگزار شد. در این نشست روی بخش های گفتگو صورت گرفت. امنیت و مبارزه با تروریسم، دموکراسی و حکومتداری، توسعه اقتصادی و اجتماعی از مهمترین مسائل بود که میان دو طرف مورد بحث قرار گرفت.

جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا از تعهد آمریکا در حمایت، مشور و دهمی کمک نظامی به نیروهای امنیتی افغانستان سخن گفت. او بیان داشت که تا هنوز ۱۴ بال هلیکوپتر جنگی ام دی-۳۵ و هشت فروند طیاره A-۲۹ به نیروهای امنیتی افغانستان تحویل داده است. او بیان داشت که در آینده نیز ۱۴ بال هلیکوپتر جنگی ام دی-۳۵ به نیروهای امنیتی افغانستان

به تدریج که هنجارهای نظام بین المللی و ارزش های درون دولت ها متفاوت و متنوع تر می شود، ایده مشروعیت سیاسی و فرهنگی نیز به طرف ابهام بیشتری می رود.

۵- امنیت اجتماعی - فرهنگی:

فرهنگ به عنوان عاملی تعیین کننده در سرنوشت کشورها اهمیتی رو به افزایش در امنیت یافته و ناامنسی فرهنگی به معضلی برای جوامع تبدیل شده است. ناامنی فرهنگی به نوبه خود موجب ناامنی های اجتماعی نیز می باشد که مواردی چون فساد در جامعه، قاچاق انسان ها، مفاسد مالی، فرقه های گمراه، تروریسم و رفتارهای خشونت آمیز از مصادیق آن به شمار می آیند. (۱۲)

نابرابری درآمدها و ثروت، بیکاری، ناامیدی از چشم انداز زندگی و ضعف واحد خانواده،

رحیم حمیدی



واگذار خواهد کرد. در کنار کمک های نظامی او یک بار دیگر، سخن از تعهد آمریکا در کمک های مالی به بخش نظامی افغانستان سخن به میان آورد.

کار مشترک روی تقویت نهاد های دموکراتیک و بهبود کارآیی حکومت و توسعه اقتصادی و اجتماعی از بخش های دیگری بود که در سومین نشست کمیسیون مشترک مورد گفتگو قرار گرفت. در این مورد چند نکته قابل تذکر است. اول: مهمترین نکته این است که پیمان امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده آمریکا یک ضرورت جدی و بنیادی برای دوام حکومت دموکراتیک، مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی است. با این حال، تا هنوز از ظرفیت های نهفته در این پیمان استفاده نشده است. ما در حالی با یک ابر قدرت جهانی پیمان امنیتی امضا نموده ایم که از جانب پاکستان مورد حملات راکتی قرار می گیریم و گروه های دهشت افکن قدرت مند شده است. اکنون مسئله تنها قدرت مند شدن و گسترش دامنه نامنی افغانستان تحویل داده است. بلکه بقای حکومت نیز مطرح است. به دیگر سخن، گروه های مخالف مسلح دولت افغانستان نشد. به

تهدید جدی برای حکومت مرکزی تبدیل شده است. نیروهای ایالات متحده آمریکا اگر چه در مواقع بحرانی در کنار نیروهای امنیتی افغانستان مواضع گروه های مخالف مسلح دولت را مورد حمله قرار داده است اما، این پیمان موجب نشده است که ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان بالا برده شود و نیروهای امنیتی افغانستان بدون حمایت نیروهای بین المللی قادر به سرکوب گروه های مخالف مسلح دولت گردد. اگر چه، کمک های نظامی آمریکا به خصوص در بخش نیروهای هوایی ارتش افغانستان افزایش یافته است اما با توجه به استهلاک تجهیزات نظامی کمک های صورت گرفته در این بخش نیز کافی نیست. ضعف اصلی در این بخش متوجه حکومت افغانستان است. به دیگر سخن، حکومت افغانستان قادر به استفاده از ظرفیت موجود در پیمان امنیتی نبوده است.

دوم: در یک و نیم دهه گذشته، ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای کمک کننده به افغانستان میلیارد ها دالر به افغانستان کمک نمود. با این حال، میلیارد ها دالر منجر به دگرگونی جدی در عرصه اقتصادی و اجتماعی افغانستان نشد. به

## استراتژی امنیت

قسمت سوم



ذهنی تا حدی مبتنی بر اطلاعاتی است که شخص در مورد محیط دریافت می کند، اما به هر حال ناقصی را که در تصور خود از واقعیت خالی می بیند، با برداشت های ذهنی خود پر می کنند. به علاوه همان گونه که هالستی می گوید، «افراد پیوسته زیر بمباران پیام هایی در مورد محیط قرار دارند، اما تنها بخشی از آن چه را می بینند بر می گزینند و تفسیر می کنند؛ زیرا تنها بخشی از آن چه را می بینند به یک وضعیت خاص مربوط می شود. گاهی نیز افراد تنها اطلاعاتی را می بینند که با ارزش ها و باورها یا انتظارات آن ها منطبق است.» (۱۵)

ایستارها، گزاره های عمومی برای ارزیابی پدیده ها، واقعیات یا شرایط هستند که می توانند کم و بیش دوستانه، مطلوب، خطرناک، قابل اعتماد یا خصمانه باشند. این ایستارها می توانند تأثیرات مهمی بر چگونگی واکنش سیاستگذاران در مقابل اقدامات، مقاصد و تقاضاهای دولت ها و نوع تلقی آن ها از نیات و اهداف این دولت ها داشته باشند. (۱۶)

ارزش ها: ارزش ها نتیجه چگونگی رشد ما، روند جامعه گرایی سیاسی در شرایط گروهی مختلف، تعالیم و القائات سیاسی و تجربه شخصی است. ارزش ها همچون معیارهایی عمل می کنند که اعمال خود و دیگران بر اساس آن ها سنجیده می شوند و مورد قضاوت قرار می گیرد و بنابراین بنیان بسیاری از ایستارها ما هستند. ارزش ما جهت گیری عمومی ما را نشان می دهند و برای سیاستگذاران در سطوح مختلف به عنوان وسایل و توجیهاتی برای اهداف، تصمیمات و اعمال آنان عمل می کنند. ارزش ها در زمره عواملی هستند که تأثیر محدود کننده آن ها را گاه سیاست گذاران و تصمیم گیرندگان اساسا احساس نمی کنند. انطباق ناگهانه با یک نظام ارزشی، زمینه آزادی تصمیم گیرندگان را بی آن که خود آنان متوجه ششوند، محدود می کند. البته ارزش ها ضرورتا پاسخ های خاصی را در شرایط خاص تجویز نمی کنند، اما باعث ایجاد ایستارهایی نسبت به شرایط می شوند؛ یعنی هم سیاست های مختلف را توجیه می کنند و هم به آن ها جهت می دهند. (۱۷)

افکار عمومی: هیچ حکومت دموکراتیکی نمی تواند افکار عمومی را در دراز مدت نادیده بگیرد و هر سیاست دفاعی که ناپدیدان باقی می ماند. از این رو تصمیم گیرندگان در هنگام تدوین استراتژی امنیت ملی باید خواسته ها و اولویت های مردم را مد نظر داشته باشند و آن را پایه تصمیمات خود سازند.

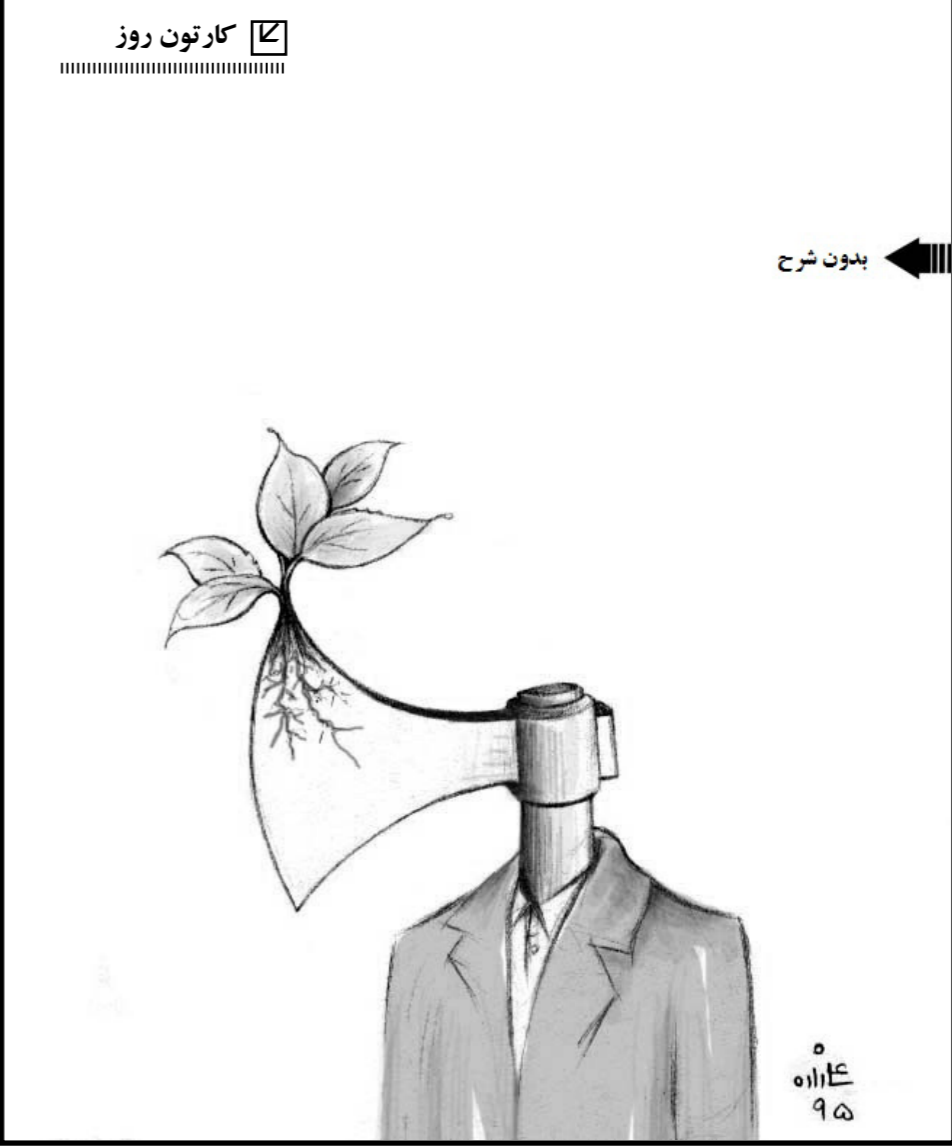
ویژگی های خاص و بومیای هر واحد مورد پژوهش است. اما مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر فرآیند سیاست گذاری امنیت ملی را می توان در دو سطح عوامل مربوط به محیط داخلی و عوامل مربوط به محیط خارجی معرفی نمود: سطح اول: عوامل مربوط به محیط داخلی: در عرصه محیط داخلی، عوامل بسیاری در تدوین استراتژی امنیت ملی اثرگذارند. البته خصوصیات ملی کشورها بسیار متفاوت بوده و به عوامل متعددی بستگی دارد. در نتیجه، هر دولتی باید به طور مستقل به امر برنامه ریزی استراتژیک ملی بپردازد. اما می توان مجموعه ای از عوامل کلی را این میان تشخیص داد. در این نوشته، برخی از مهمترین عوامل داخلی مورد بررسی قرار می گیرند: الف- عوامل روانشناختی: این عوامل عبارتند از موضوعاتی چون برداشت های ذهنی، ایستارها و باورها، ارزش ها، و افکار عمومی که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند: ب- برداشت های ذهنی: برداشت های ذهنی سیاستگذاران تا حد زیادی در توضیح اهداف و گزینش ها یا پاسخ به شرایط نقش دارد. افراد بر مبنای تصاویری که از محیط در ذهن دارند، کنش و واکنش نشان می دهند. در سیاست گذاری ها به طور اعم و در تعیین استراتژی های ملی به طوری که اهمیت بیشتری دارد، برداشت مقامات حکومتی از محیط است و نه وضعیت عینی محیط. تصاویر ذهنی افراد علاوه بر برداشت های ذهنی از واقعیت، شامل ارزیابی آن واقعیت و مفهومی است که از واقعیت برداشت می شود. البته این تصاویر و برداشت های

شوند. هر چه کشورها کاهش فزاینده منابع و کیفیت محیط زیست را به اقدامات عمدی انسان در مقایسه با طبیعت نسبت دهند، احتمال بروز کشمکش داخلی و بین المللی بالا می رود. (۱۴) در مجموع باید گفت در تدوین استراتژی امنیت ملی، باید ابعاد مختلف را مد نظر داشت و برای تحقق درصد مطلوبی از آن تلاش کرد. هنگامی می توان به شناخت امنیت فراگیر امید داشت که برای هر یک از این جنبه ها برنامه داشت و برای دستیابی به آن کوشید. این نکته را نیز باید در نظر داشت که استراتژی امنیت ملی هر چند سال یک بار، با توجه به تغییرات در سطح ملی، منطقه ای، و بین المللی مورد اصلاح و بازنگری قرار می گیرد. در ادامه این نوشته عوامل تعیین کننده استراتژی امنیت ملی معرفی می شوند. عوامل تعیین کننده استراتژی امنیت ملی: در تعیین و تدوین استراتژی امنیت ملی هر واحد سیاسی، عوامل و مراحل بسیاری نقش ایفا می کنند که در صورت شناخت دقیق و صحیح آن ها از یک سو می توان به چارچوبی برای تعیین و جهت دهی رفتار خود و از سوی دیگر به شناخت و مقابله با استراتژی کشورهای رقیب دست یافت. بنابراین شناخت عوامل و مراحل تعیین و تدوین استراتژی امنیت ملی خواه برای نظم بخشی به رفتار یک واحد سیاسی و خواه برای ایجاد تغییر در آن، امری بسیار مهم و قابل توجه است. همچنین عوامل و مراحل تعیین و تدوین استراتژی امنیت ملی از جهتی نیازمند تعیین مفروضاتی برای دستیابی به قواعد و ضوابط ثابت و از جهت دیگر نیازمند شناخت خصائص

ابعادی از امنیت اجتماعی هستند که در نهایت امنیت و نظم عمومی را کاهش می دهد. جوان بودن جمعیت می تواند به یک فرصت یا تهدید اجتماعی تبدیل شود. فرار مغزها نیز از چالش های امنیتی است که به طور خاص برای کشورهای در حال توسعه معنا می یابد.

۶- امنیت زیست محیطی: دیدگاه امنیت زیست محیطی بر مدیریت تهدیدات ملی و فراملی نسبت به حفظ محیط زیست، مثل گرم شدن کره زمین و تخریب لایه اوزن، باران های اسیدی، جنگل زدایی، ضایعات سمی و دیگر آلاینده های محیط زیست تأکید دارد. مهمترین فرضیه های امنیت زیست محیطی عبارتند از: هر چه کیمیاوی منابع و کاهش کیفیت محیط زیست تشدید شود، رابطه بین پیگیری دستیابی به منابع و حفاظت محیط زیست حادتر شده و به حاصل جمع صفر نزدیک تر می شود.

هر چه فشار بر منابع محیط زیست به گونه ای نامتساوی تر در جهان گسترش یابد، ظرفیت مدیریت این فشارها نیز نامساوی تر شده و تنش های امنیتی داخلی و خارجی را افزایش می دهد. به تدریج که آگاهی از دامنه و شدت مسائلی جهانی منابع و محیط افزایش می یابد، گروه های ملی، فرا ملی و بلوک های منطقه ای، تمایل بیشتری برای کسب نفوذ بر راه حل ها از خود نشان می دهند. به تدریج که وابستگی متقابل در منابع و سربایت اثرات آلودگی، باعث افزایش آسیب پذیری اجتماعی کمی شود، تلاش های ملی یک جانبه برای مدیریت ملاحظات امنیتی مربوط به منابع و محیط زیست، از لحاظ شدت و کارآیی کاهش یافته و تضعیف می



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر و ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا | مدیر مسئول: محمد رضا هویدا | سردبیر: حفیظ الله زکی | کاریکاتورست: خالق علی زاده | دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری | مسئول وب سایت: غلام عباس اسلان | آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۷

افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Magazine